

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال دوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۸۹

ص ص ۴۰ - ۲۳

تعیین رابطه بین ابعاد سبک زندگی و مدیریت بدن در

میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان

دکتر محمود علمی^۱

دکتر صمد صباغ^۲

سروه افتخاری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۴/۱

چکیده

در سده‌ی گذشته و به ویژه طی نیم قرن اخیر فرایند مدیریت بدن و انتخاب سبک زندگی دچار تحول اساسی شده است که در عصر حاضر کنترل منظم بدن از جمله ابزارهای اساسی است که انسان متناسب با موقعیت‌های گوناگون با انتخاب نوع مصرف و به کارگیری زبان بدن روایتی معین از هویت شخصی خود بروز می‌دهد که از ورای همین روایت «خود» در معرض تماشا و ارزیابی قرار می‌گیرد. این پژوهش رابطه بین ابعاد سبک زندگی و مدیریت بدن را بررسی می‌نماید. در بخش نظری، با استفاده از آرای اندیشمندان مختلف در حوزه‌های مدیریت بدن و سبک زندگی چارچوبی مفهومی تنظیم شده است. برای بررسی مدیریت بدن، مؤلفه‌های اساسی آن (آرایش، بهداشت، کنترل وزن، دستکاری پزشکی) و برای بررسی سبک زندگی مؤلفه‌های اساسی آن (فعالیت‌های فراغت، مصرف فرهنگی، هنجارهای مصرف و اعتقادات دینی) را انتخاب و بررسی شده و بر این اساس نه فرضیه به آزمون گذاشته شدند. روش تحقیق از نوع همبستگی است و داده‌ها با استفاده از روش کمی (پیمایش) از طریق پرسشنامه گردآوری شده‌اند و به این منظور از بین ۳۵۱ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان با استفاده از فرمول کوکران ۱۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. اعتبار محتوایی پرسشنامه، صوری است و

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. گروه علوم اجتماعی، تبریز- ایران.

E- Mail: drmahmoodelmi@gmail.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. گروه علوم اجتماعی، تبریز- ایران.

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

E- Mail: serwah.eftekhari@yahoo.com

پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۸۲ درصد به دست آمده است. به منظور تشخیص همبستگی بین متغیرها از تحلیل‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. یافته‌های به دست آمده به شرح ذیل می‌باشند: با توجه به این که آزمون معنی‌داری متغیرها کمتر از $0/05$ بوده ($sig < 0/05$)، می‌توان نتیجه گرفت فرضیات مربوط به آن‌ها تأیید شده و بین این متغیرها با مدیریت بدن ارتباط معنی‌داری وجود دارد. و متغیر اعتقادات دینی با قدرت تبیین (۲۲- درصد) که دارای رابطه منفی با مدیریت بدن می‌باشد به ترتیب متغیرهای فعالیت‌های فراغتی (۴۷ درصد) و هنجارهای مصرف (۴۴ درصد) و مصرف فرهنگی (۲۳ درصد) و میزان درآمد (۲۱ درصد) از واریانس مدیریت بدن را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: مدیریت بدن، سبک زندگی، هویت، مصرف، خود، بوکان.

مقدمه

مدیریت ظاهر از طریق اعمال و کردارهایی مثل انتخاب نوع لباس، پوشش ظاهری، آرایش بدن، نوع سلاقی ورزشی، رژیم‌های غذایی و ... بیان می‌شوند. از این رهگذر تمایزات رفتاری و نگرش افراد را می‌توان از طریق تفسیر تفاوت الگوهای مدیریت ظاهرشان درک کرد. بدین ترتیب نوع مدیریت بدن افراد به عنوان وسیله‌ای برای تمایز بخشیدن میان هویت آنان، اهمیت و مرکزیت می‌یابد. بدین‌سان هویت افراد در مدرنیته‌ی متأخر بیشتر در فرهنگ بصری یا دیداری و نمودارهای عینی هم‌چون بدن آن‌ها نهفته است. از همین رو گیدنز بیان می‌دارد که مقوله‌ی بدن به عنوان یک پروژه‌ی بازتابی تبدیل شده است چرا که بدن مستقیم‌ترین قرارگاهی است که می‌تواند حامل و نمایشگر تمایزهای سبک زندگی و اشکال هویتی باشد (گیدنز، ۱۳۸۷). سبک زندگی نشان دهنده‌ی ارزش‌ها، هنجارها، خواسته‌ها، تمایلات و ... فرد است. درحال حاضر افراد هویت خود را از طریق سبک‌های زندگی خود نشان می‌دهند، پس سبک زندگی به نوعی هویت‌بخش است. سبک زندگی روش الگومند مصرف، درک و ارزش‌گذاری محصولات فرهنگی مادی است که بازی با معیارهای منزلت را در وضعیت‌های اجتماعی بی‌نام و نشان، ممکن می‌سازد (چاوشیان، ۱۳۸۱: ۳۵). در عصر حاضر زندگی روزمره به موضوع انتخاب شخصی تبدیل شده است، بدین معنی که مردم می‌توانند کاری را انجام دهند که می‌خواهند و می‌توانند چیزی به شوند که خودشان می‌خواهند به شوند، رویه‌ای که حاکی از فردی شدن است، امروزه مردم به طور فزاینده‌ای بر مبنای علایق و منافع فردی دست به کنش می‌زنند (گیببیز و دیگری، ۱۳۸۴: ۱۱۰). طبقه و قشر اجتماعی از جمله مفاهیم حوزه‌ی جامعه‌شناسی هستند که جایگاه گذشته‌ی خود را از دست داده و مفاهیم سبک زندگی و مصرف جایگزین آن‌ها شده‌اند. به گونه‌ای که امروزه در تحلیل‌های اجتماعی تأکید اساسی بر سبک زندگی افراد است تا طبقه و جایگاه اجتماعی آنان. هرچند می‌توان مدیریت بدن و سبک زندگی را

در میان اقشار مختلف و گروه‌های سنی متفاوت بررسی کرد اما توجه به جوانان به دلیل تأثیرگذاری زیاد آن‌ها بر یکدیگر بیشتر در خور توجه است.

بیان مسأله

جذابیت جسمانی از جمله موضوعاتی است که در دوران مدرن استانداردهای جدیدی پیدا کرده و از عوامل شکل دهنده‌ی روابط افراد محسوب می‌شود به طوری که مدیریت بدن در دوران مدرن اهمیت بیشتری پیدا کرده است و رفتارهای گوناگون بهداشتی نظیر بدن‌سازی، رژیم‌های غذایی، تجهیزات ورزشی و آرایشی مختلف برای مراقبت از بدن پدیدار شده است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۵۰-۱۴۹). رابطه و پیوندی دیالکتیکی بین مدیریت بدن و سبک زندگی وجود دارد. تنوع و تکثر فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ایرانی و هم‌چنین ورود و گسترش مدرنیته و عناصر گوناگونی که با خود آورده است تغییر در حوزه‌های مختلف از جمله مدیریت بدن و سبک زندگی در میان اقشار مختلف و گروه‌های سنی متفاوت را در پی داشته است. شعار قدیمی «زشتی فروش ندارد» جای خود را به شعار «زیبایی اطراف، پیش شرط یک زندگی سرزنده» داده است که بر محور بدن خود را نشان می‌دهد. مسأله پژوهش حاضر تعیین رابطه بین ابعاد سبک زندگی و مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان است. در بررسی و تحلیل این موضوع، توجه به جوانان اهمیت بسیاری دارد، زیرا بیش از هر گروه سنی دیگر به سبک‌های زندگی و مدیریت از بدن اهمیت می‌دهند و جوانان بخصوص دختران از جهت فکری و عملی با آن درگیرند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

پژوهشگران معتقدند که برخلاف گذشته که پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سرمایه اقتصادی، طبقه افراد و شغل آنان در شکل‌بندی هویت افراد بسیار تأثیرگذار بود، اما امروزه شکل‌بندی هویت افراد را می‌توان بیشتر مبتنی بر خصوصیات فرهنگی که از جمله خود را در جنس، سن، تحصیلات، دیانت، نگرش سنتی و ... نمایش می‌دهد دانست. خصوصیات فرهنگی که از جمله خود را در شیوه‌های نظارت بر بدن، که می‌توان از آن به عنوان «رسانه‌ی هویت» افراد نیز یاد کرد نمایان می‌کند (آزاد ارمکی و دیگری، ۱۳۸۱). صور نوین هویت اجتماعی مبتنی بر مصرف با توجه به خصوصیات صورت‌بندی می‌شود که اینک جزء عناصر بنیادین پدیده‌های مرتبط به سبک زندگی است. با بررسی و تحلیل مفهوم سبک زندگی می‌توان از نگرش‌ها، هنجارها و ارزش‌های پنهان که در ذهن، باور و کردارهای جوانان وجود دارد اطلاع یافت و از جهت‌گیری‌ها و الگوی موجود یا در حال شکل‌گیری تفسیر و تصویر واقع‌بینانه‌تری ارائه داد. به تعبیری دیگر، از کیفیت خرده فرهنگ‌ها، روش‌ها و سلیقه‌ها و رفتارهای جوانان اطلاعات با ارزش و کاربردی به دست آورد (حاجیان، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۰).

روان‌شناسان معتقدند که گسترش نامطلوب جراحی‌های زیبایی در یک جامعه متأثر از انگیزه‌های شناختی و عاطفی افراد آن است، به طوری که نیازهای عاطفی جوانان به ویژه نیاز به مورد توجه واقع شدن از سوی جامعه از انگیزه‌های اصلی کسب زیبایی تصنعی شده است. جامعه ایرانی به لحاظ فرهنگی و اجتماعی بسیار متنوع و متکثر است. برای فهم پیچیدگی‌ها و شرایط کنونی حاکم بر زندگی جوانان توجه به سبک‌های زندگی و مدیریت بدن حائز اهمیت است. فهم چرایی علاقه مردم به سبک‌های زندگی مدرن و احیای بدن مستلزم انجام پژوهش‌های گسترده میدانی است.

بیان اهداف تحقیق

هدف اصلی

تعیین رابطه بین ابعاد سبک زندگی با میزان مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان.

اهداف جزئی

۱. تعیین تفاوت بین ابعاد سبک زندگی با میزان مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان.

۲. تعیین رابطه بین میزان فعالیت‌های فراغتی با میزان مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان.

۳. تعیین رابطه بین میزان مصرف فرهنگی با میزان مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان.

۴. تعیین رابطه بین میزان هنجارهای مصرفی با میزان مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان.

۵. تعیین رابطه بین میزان اعتقادات دینی با میزان مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان.

۶. تعیین رابطه بین سن با میزان مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان.

۷. تعیین تفاوت بین وضعیت اشتغال با میزان مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان.

۸. تعیین تفاوت بین وضعیت تأهل با میزان مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان.

۹. تعیین تفاوت بین میزان درآمد با میزان مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان.

مبانی نظری تحقیق**آنتونی گیدنز**

به اعتقاد گیدنز حالات چهره و دیگر حرکات بدن، فراهم آورنده قرائن و نشانه‌هایی است که ارتباطات روزمره ما مشروط به آنهاست. به عبارت دیگر، برای این که بتوانیم به طور مساوی با دیگران در تولید و باز تولید روابط اجتماعی شریک شویم، باید قادر باشیم نظارتی مداوم و موفقیت‌آمیز بر چهره و بدن خویش اعمال کنیم (گیدنز، ۱۳۸۵: ۹۵). گیدنز، معتقد است بدن همانند شخصیت، مکانی برای تعامل، تخصیص و تخصیص مجدد می‌باشد. توجه به بدن، جستجویی برای هویت است. می‌توان با رجوع به آن، تعریف مشخصی را که مقید به قواعد و انتظارات اجتماعی نیست، جستجو نمود (خوزه لویزو دیگری، ۱۳۸۵: ۱۵۷). گیدنز پیدایش سبک‌های زندگی را محصول بازاندیشی در دنیای مدرن می‌داند که کاربرد آن در عصر پیشامدرن و فرهنگ‌های سنتی چندان رواج نداشت. زیرا داشتن سبک زندگی مستلزم آن است که افراد از میان انتخاب‌های مختلف دست به گزینش بزنند. سبک‌های زندگی رفتارهای عادی روزمره هستند که در قالب عادات لباس پوشیدن، محیط‌های مورد پسند برای تعامل با دیگران، رژیم غذایی، کار و حرفه افراد و ... خود را نشان می‌دهند اما این رفتارهای عادی روزمره در معرض تغییر هستند. هر یک از تصمیمات ریز و درشتی که فرد روزانه اتخاذ می‌کند، این که چه بپوشد، چه بخورد، در محل کار چگونه رفتار کند، با چه کسی ملاقات کند، به چنین امور عادی‌ای کمک می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲). بر این اساس از آرای گیدنز در زمینه مدیریت بدن و سبک زندگی می‌توان نتیجه گرفت، گیدنز بدن را در ارتباط با هویت و خود قرار می‌دهد که افراد از بدن‌های‌شان برای شکل دادن به هویت شخصی-شان استفاده می‌کنند و بدن ابزاری است که به وسیله آن افراد با اوضاع، احوال و کنش‌های دیگر افراد برخورد می‌کنند و عرصه‌ای برای تولید روابط اجتماعی است. در دنیای متجدد کنونی، هویت و شکل‌گیری آن به امری بازاندیشانه تبدیل شده است و فرد آن را با توسل به سبک زندگی ویژه‌ی خود و در تعامل با اجتماع انجام می‌دهد. رژیم‌های غذایی و بدن‌سازی، توجه به آراستگی و نظافت، خودآرایی و تزئین خویشتن، پوشاک و ... برخی مؤلفه‌های مدیریت بدن از نظر گیدنز هستند.

پیر بوردیو

وی مانند گیدنز علاقه‌ی اصلی خویش را تمایل به عبور از دوگرایی‌های ذهن‌گرایی و عین‌گرایی، ساختارگرایی و کنشگر محوری، سمبولیسم و ماتریالیسم و تحلیل‌های اجتماعی خرد و کلان عنوان می‌کند. تلاش وی آن است که در مطالعه‌ی حیات اجتماعی هم به ساختارها و هم به کنش‌های فردی و معانی ذهنی توجه نماید. وی معتقد است که ساختارها کنش را هدایت و مهار می‌کنند، اما از سوی کنشگران تولید باز تولید می‌شوند. بر همین مبنا، جهت‌گیری نظری‌اش را ساختارگرایی تکوینی می‌نامد. بوردیو معتقد است انسان‌ها به لحاظ ساختاری همواره در فضایی اجتماعی قرار دارند که مجموعه‌ای از موقعیت‌های اجتماعی متمایز و هم زیست بوده که از یکدیگر مجزا هستند. فضای اجتماعی همه

موقعیت‌ها را یک جا و در آن واحد گرد هم می‌آورد و با یک نگاه قابل مشاهده می‌کند که عواملان هرگز نمی‌توانند کلیت آن را درک کنند. این فضای گسترده خود به فضای خرد بی‌شماری تقسیم می‌شود که میدان‌های اجتماعی نام دارند (بورديو، ۱۹۸۶: به نقل از ایراندوست، ۱۳۹۰: ۳۵). میدان‌ها (ادبی، علمی، سیاسی، قضایی، دینی و ...) شرایط بازی، مفروضات و منافع خاص خود را دارند، نسبت به یکدیگر خودسالاری دارند یعنی در تنظیم قواعد خود آزادند و دور از تأثیرات دگرسالارانه‌ی میدان‌های دیگر اجتماعی به کار خود ادامه می‌دهند (شویده و دیگری، ۱۳۸۵: به نقل از همان). بورديو میدان را نوعی بازار رقابتی - سازمان یافته از افرادی می‌داند که در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی قرار گرفته‌اند و از انواع مختلف سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین) بهره‌مند بوده و برخلاف مارکس که صرفاً به سرمایه اقتصادی تأکید داشت و برای کسب پرستیژ، ثروت و قدرت رقابت دارند (سیدمن، ۱۳۸۸: به نقل از همان: ۳۶). سرمایه فرهنگی به سه شکل وجود دارد: حالت تجسد یافته، مجموعه‌ای از تمایلات پایدار ذهنی و جسمی در فرد (با فرهنگ بودن، به نحوی بیان تسلط داشتن، ...)، حالت عینیت یافته، در قالب کالاهای فرهنگی (تابلوه‌ها، کتاب‌ها، ماشین‌ها، واژه‌نامه‌ها، ابزارها و ...) و حالت‌های نهادینه شده (به صورت نمادین و القاب، مدارک تحصیلی، موفقیت در مسابقات ورودی و ...). سرمایه اجتماعی از کلیه پیوندهای اجتماعی و اعتماد تشکیل می‌شود و مجموعه‌ای از منابع موجود یا بالقوه‌ای است که به مالکیت شبکه‌ی پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده‌ی افراد بستگی دارد، افرادی که یکدیگر را می‌شناسند و خود را مدیون یکدیگر می‌دانند. سرمایه اقتصادی شامل، ثروت، درآمد و هر سرمایه‌ای است که از حوزه‌ی اقتصاد به دست می‌آید. سرمایه‌ی نمادین هم از شأن، شخصیت و افتخارات شخص به دست می‌آید (بورديو، ۱۹۸۶: به نقل از همان). هرچند بورديو معتقد است کنش در بیشتر موارد بدون تعهد آگاهانه انجام می‌گیرد، اما بدون قصد و نیت هم نمی‌تواند انجام پذیرد (جنکینز، ۱۳۸۵: به نقل از همان: ۳۷). اقتضای کنش آن است که عاملین «کنشگران» آداب و رسوم خویش را به کار گیرند، بنابراین خلاقیت و اختیار دارند، اما از سوی آداب «عادات، قواعد و رسوم جمعی» محدود می‌شوند (پارکر، ۱۳۸۳: به نقل از همان: ۳۷). بورديو چنین بیان می‌دارد: «اقتصاد نوین خواهان جهان اجتماعی جدیدی است که مردم در آن به همان سان که بر مبنای ظرفیت‌شان در تولید ارزیابی می‌شوند، بر اساس توانایی‌شان در مصرف هم ارزیابی می‌گردند» (بورديو، ۱۹۸۴: به نقل از همان). به نظر بورديو مصرف از ارکان اساسی زندگی در دنیای اجتماعی مدرن است (به نقل از همان). او تحلیل‌های ویلن و زیمل را کامل‌تر کرده و در پی آن بود که نشان دهد گروه‌های فرادست و فرودست در جامعه درگیر مبارزه‌ای بی‌پایان برای تثبیت موقعیت و هویت اجتماعی خود هستند و در این راه مصرف و به ویژه مصرف فرهنگی «حوزه‌ی تولید فرهنگی» این کارکرد اجتماعی را دارد که تمایزات اجتماعی را مشروعیت بخشد (استوری، ۱۳۸۹: به نقل از همان: ۳۸). با سرمایه‌ی فرهنگی افراد می‌خواهند فرهنگ مشروع جامعه را به دست آورند. گروه‌های فرادست ذائقه‌های فرهنگی گوناگونی دارند و سعی می‌کنند آن‌ها را مشروعیت بخشیده و به دیگران تحمیل کنند.

طبقه‌ی مسلط از طریق ارزش‌مند نشان دادن معیار فرهنگی و سبک زندگی خود سعی می‌کند موقعیت مسلط خود را حفظ کند. بورديو نقش و تأثیر عادت‌واره بر مصرف را اساسی می‌دانست و معتقد بود ذائقه‌های برآمده از عادت‌واره طبقات دارای سرمایه فرهنگی اندک، بر کارکرد آن‌چه مصرف می‌شود و ذائقه‌ی طبقات دارای سرمایه فرهنگی بالا بر کیفیت آن‌چه مصرف می‌شود تأکید دارند. درباره‌ی شکل-گیری سبک زندگی نیز معتقد است، شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به ایجاد عادت‌واره‌ی ویژه‌ای منتهی می‌گردد. عادت‌واره مولد دو دسته نظام است، نظامی برای ایجاد اعمال قابل طبقه‌بندی و نظامی برای ادراکات و ذائقه‌ها. نتیجه‌نهایی تعامل این دو نظام شکل‌گیری سبک زندگی است. به عبارتی دیگر عادت‌واره به واسطه‌ی نظام ترجیحاتی که شکل می‌دهد موقعیت افراد در جایگاه‌های اجتماعی را مشخص می‌سازد و این نظام ترجیحات، سبک زندگی اجتماعی خاصی را شکل می‌دهد (دورتیه، ۱۳۸۱: به نقل از همان). بورديو بدن را حامل هنجارهای اجتماعی می‌داند (خوزه لویز و دیگری، ۱۳۸۵: ۱۶۱). از نظر وی نظم اجتماعی، نظم جسم‌ها است و الزامات اجتماعی به صورت نمادین و فیزیکی بر جسم‌ها اثر می‌گذارند (شویده و دیگری، ۱۳۸۵: ۷۱). از نظر بورديو، سوزده‌های اجتماعی با داوری‌های خود دسته‌بندی شده‌اند. بدین ترتیب خود را از دیگران متمایز می‌سازند و موضع آن‌ها در دسته‌بندی‌های عینی آشکار می‌شود. به از این‌رو، خوش ذوقی‌ها و بد ذوقی‌های هرکس به مسیر اجتماعی بستگی دارد. این سلايق هم چون مهری اجتماعی عمل می‌کنند که تعلق اجتماعی عامل را به گروهی آشکار می‌سازد. طبقه اجتماعی قریحه فرهنگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند و افراد در خلال این فرایند، مدعی «تمایز، برتری و مشروعیت» برای خود می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۷). بورديو تولید سرمایه فیزیکی را در گرو توسعه و گسترش بدن می‌داند که به موجب آن بدن دارای ارزش اجتماعی می‌گردد. و در باب این موضوع باید به مؤلفه‌های زیر توجه کرد: اول «دارائی‌هایی که افراد دور خود جمع کرده‌اند، مانند خانه، ماشین، کتاب‌ها و لباس‌ها» و دوم «فعالیت‌هایی که فرد با آن‌ها خود را متمایز نشان می‌دهد، نظیر ورزش، تفریحات، لباس پوشیدن، رسیدگی به ظاهر و بدن خود و ...».

اروینگ گافمن

از مکاتب جامعه‌شناسی که بدن را به عنوان موضوع مباحث خود قرار داده‌اند می‌توان از مکتب کنش متقابل نمادین و آثار جامعه‌شناس کانادایی تبار، اروینگ گافمن یاد کرد. مهم‌ترین اثر گافمن کتاب نمود خود در زندگی روزانه (۱۹۵۹) است. برداشت گافمن از خود با رهیافت نمایشی او شکل گرفته بود. او خود را در تملک کنشگر نمی‌انگارد. بلکه آن را محصولی از کنش متقابل نمایشی میان کنشگر و حضار می‌داند. خود، «یک اثر نمایشی است که از ... صحنه نمایش بر می‌خیزد» (ریتزر، ۱۳۸۴: به نقل از تنهایی و خرمی، ۱۳۸۸: ۲۳). گافمن بر این باور بود که افراد در هنگام کنش متقابل می‌کوشند جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که مورد پذیرش دیگران باشد. اما کنشگران می‌دانند که حضارشان ممکن است در اجرای

نقش آن‌ها اختلال ایجاد کنند به همین دلیل نیاز به نظارت بر حضار احساس می‌شود، کنشگران امید دارند خودی را به حضار نشان دهند که دوست دارند دیده شوند تا حضار داوطلبانه به دلخواه آن‌ها عمل کنند. گافمن این فرایند را «مدیریت تأثیرگذاری» مطرح کرد (به نقل از همان: ۲۹۲). گافمن با رویکرد نمایشی خود، نقش‌های اجتماعی و موقعیت‌های اجتماعی را تنها نمایش‌هایی می‌بیند که در زندگی روزمره اجرا می‌شوند. به عقیده او «خود» افراد به وسیله نقش‌هایی که در این موقعیت‌ها اجرا می‌کنند، شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد. گافمن ضمن استفاده از مفهوم خود تا اندازه زیادی به بدن اشاره دارد. از دید او عوامل بدنی یا جسمی نیز رأی جمع‌کن‌هایی هستند که با توسل به همه روش‌های علامت‌دهی اجتماعی، سعی دارند نظر دیگران را به خود جلب کنند. این عاملان بدنی، «معرف‌های تجسد یافته منش و منزلت‌اند» که می‌توانند توسط دیگر کنشگران مورد تفسیر قرار گیرند (لوپز و دیگری، ۱۳۸۵: ۱۵۵). به نظر او در هر کنش متقابل یک جلوی صحنه وجود دارد که با پشت صحنه اجرای تئاتری قرینه است. بازیگران صحنه تئاتر و نیز زندگی اجتماعی هر دو به حفظ ظاهر، لباس مناسب پوشیدن و وسایل صحنه آرایشی علاقمندند. وانگهی در هر دو اجرا، یک نوع عقب صحنه وجود دارد که بازیگران می‌توانند به آن‌جا برگردند و خودشان را برای او آماده سازند. در عقب صحنه یا پشت صحنه به اصطلاح تئاتری، بازیگران می‌توانند نقش‌های‌شان را وا نهند و خودشان به شوند (ریترز، ۱۳۷۴: ۹۴-۹۳). در این تحقیق پشت صحنه نمایش، باشگاه‌های بدن‌سازی، مراکز زیبایی و درمانی و ... در نظر گرفته می‌شوند که در آن‌جا دختران دانشجو خود را برای حضور در صحنه نمایش (عرضه اجتماعی) آماده می‌کنند و سعی می‌کنند خود را به بهترین و مقبول‌ترین شکل برای ایفای نقش که فکر می‌کنند دیگران از آن‌ها انتظار دارند مهیا کنند. و برخی از مؤلفه‌های مورد نظر گافمن عبارتند از: قیافه، منش، آرایش ظاهر، لباس پوشیدن، نمایش‌های بدنی، هاله پوشی، باشگاه‌های بدن‌سازی، مراکز آرایشی و درمانی و ...

تورستاین وبلن

تورستاین وبلن را به عنوان سنت‌شکن و طراح نظریه‌های انگیزش اجتماعی می‌شناسند (کوزر، ۱۳۸۶: ۳۵۵). وبلن در کتاب نظریه‌ی طبقه‌ی تن‌آسا، طبقه‌ای را ترسیم می‌کند که در آن افراد تن‌آسایی و رفاه خود را به نمایش می‌گذارند و مصرف را نه برای رفع نیاز بلکه برای کسب اعتبار اجتماعی و جلب توجه انجام می‌دهند (وبلن، ۱۳۸۶: ۷۶). هدف اصلی وبلن این بود که بررسی کند افراد چگونه به منزلت و جایگاه اجتماعی دست می‌یابند. وی در بررسی‌هایش «ثروت» را عامل اساسی تمایز بین افراد و رسیدن به جایگاه‌های برتر اجتماعی یافت که باید نمود بیرونی داشته باشند و به عبارتی دیگر، بیانگرانه باشد. یعنی فرد با آن خودش را به جهان پیرامون خود معرفی نماید و موقعیت اجتماعی خود را ابراز دارد. مثلاً داشتن خدمتکار در منزل وسیله‌ای برای نشان دادن ثروت است (همان، ۱۰۴-۱۰۳). نظریه‌ی وبلن را می‌توان به عبارتی دیگر چنین بیان کرد: برای مردمی که در جوامع نوین زندگی می‌کنند محرک اصلی در صرف

هزینه‌ی بیش از حد نیاز جسمی، تمایل در جهت خودپذیری با شیوه و معیار آراستگی و تجمل متداولی است که برحسب کمیت و کیفیت کالاهای مصرف شده صورت می‌گیرد. معیار مصرفی که کوشش انسان را جهت می‌دهد، سطح معرف آرمانی‌ای است که دور از دسترس‌هاست یا دستیابی به آن تلاش بیشتری را ایجاب می‌کند. انگیزه اصلی در این زمینه، چشم و هم چشمی است. بدین معنی که هر طبقه نسبت به طبقه‌ی بالاتر از خود در سلسله مراتب اجتماعی، رشک و چشم و هم چشمی نشان می‌دهد و این محرکی است که فرد را وادار می‌کند تا از آن چه عادت رایج در وضعیتی معین است که خود را در آن سطح می‌داند، فراتر روند. به عبارتی دیگر معیار تجمل در مصرف از راه به کار بستن معیار آن‌هایی که از لحاظ شهرت و اعتبار در سطح بالا هستند اعمال می‌شود و این جریان تا جایی ادامه می‌یابد که همه امور به سطح طرز تفکر و استانداردهای مصرف طبقه‌ی برتر و تن‌آسا برسد. خلاصه این طبقه‌ی تن‌آسا و برتر است که معین می‌کند جامعه کدام سبک زندگی را به مثابه‌ی سبک آراستگی و افتخارآمیز خواهد پذیرفت و نیز وظیفه‌ی آن است که با ارائه‌ی راه و روال مطلوب سبک زندگی اجتماعی خوب را در عالی‌ترین و آرمانی‌ترین شکل آن رواج دهد (همان، ۱۳۹-۱۳۷). براساس نظرات ویلن، در این تحقیق، جراحی‌های زیبایی، مُد، آراستگی، لباس‌های برازنده و گران قیمت و ... به عنوان نوعی مصرف نمایشی در زندگی مد نظر قرار گرفته است.

میشل فوکو

در نگاه فوکو بدن مستقیماً درگیر حوزه‌ی سیاسی است و روابط قدرت نوعی چسبیدگی بلافصل با آن دارند. روابط قدرت ضمن سرمایه‌گذاری در بدن، مبادرت به نشانه‌گذاری و تربیت آن می‌کند. و بدن را برای انجام وظایف و ساطع کردن انواع نشانه‌ها، تحت فشار قرار می‌دهد. فوکو با چنین نگرشی زمینه‌های تاریخی سلطه روابط قدرت و انضباط بر بدن را در نهادهای مختلف (مانند زندان) ترسیم می‌کند و بدین ترتیب، ترفیع می‌دهد که چگونه از خلال بدن‌هاست که هنجارها و عرف اجتماعی تحقق پیدا می‌کند. بدن علاوه بر تأثیرپذیری از ساختارهای کلان اجتماعی، می‌تواند به وسیله‌ی راهبردهای خود، مستقیماً از سوی دارنده‌ی آن نیز متأثر گردد. راهبردهای خود نزد فوکو به روش‌های مختلف اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها، افراد روی بدن‌های‌شان کار می‌کنند تا به حس رضایت برسند. نکته قابل توجه در این است که تأثیرگذاری افراد بر بدن‌های‌شان، خود نیز منبعث از گفتمان‌های غالب اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که در آراء فوکو، «خود»‌های برساخته اجتماع به صورت بدنی شده و متجسد هستند. به طور خلاصه، خود یا همان بود و سوژکتیو از طریق روش‌هایی حاصل می‌شود که در آن‌ها بدن‌های خود را دسته‌بندی و آن‌ها را مدیریت می‌کنیم. و فراتر از آن به انضباط کشانده و تنظیم می‌کنیم. در چنین وضعی وقتی که فرد جوان، قدرت اعمال مدیریت اندکی در دیگر موارد دارد، بدنش به عنوان محیط مهمی برای اعمال قدرت به ابزار لذت مبدل می‌گردد. به عنوان مثال تصویری که یک

جوان از استعمال سیگار دارد، درکی که از خود، آن گاه که مُد مخصوص را می‌پوشد یا تصویرش در آینه، هنگامی که از باشگاه بدن‌سازی بیرون می‌آید برایش لذت‌بخش است. سوراخ کردن گوش و آویختن زیورآلات و خالکوبی نمونه‌های دیگری از این اعمال قدرت بر بدن‌هاست. در واقع، وقتی روش‌های دیگر اعمال مدیریت، نظیر درگیر شدن در کار دلخواه دیرپاب می‌شود، لذت‌جویی آنی از طریق اعمال مدیریت بر واسطه‌ترین دارایی، یعنی بدن، فعالیت جدی به شمار می‌رود (میشل فوکو، ۱۳۷۸). فوکو بر این باور است که ما عاملان کم و بیش آزاد درانتخاب نظریه‌ی انتخاب عقلانی یا هر نظریه‌ی دیگر از رویکردهای تفسیری نیستیم، بلکه بعکس، ایده‌های انتخاب و آزادی به خودی خود تابعیت ما را تضمین می‌کند (یان کرایب، ۱۳۸۴: ۳۰۴). بر اساس نظریات فوکو، در این تحقیق نظارت زنان بر بدن‌های‌شان و باشگاه‌های بدن‌سازی و بیمارستان و ... به منظور محافظت و نگهداری از بدن برای رسیدن به حس رضایت است.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین ابعاد سبک زندگی با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان تفاوت وجود دارد.
۲. بین میزان فعالیت‌های فراغتی با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان مصرف فرهنگی با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان هنجارهای مصرف با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان اعتقادات دینی با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان رابطه وجود دارد.
۶. بین سن با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان رابطه وجود دارد.
۷. بین وضعیت اشتغال با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان تفاوت وجود دارد.
۸. بین وضعیت تأهل با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان تفاوت وجود دارد.
۹. بین میزان درآمد با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان تفاوت وجود دارد.

جامعه آماری و چگونگی نمونه‌گیری

کل جامعه آماری ما شامل دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان بوکان می‌باشد که طبق آمار و گزارش رسمی دانشگاه، ۳۵۱ نفر که در نیمسال دوم تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل می‌باشند. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران ۱۸۴ نفر به دست آمد. در این فرمول حجم نمونه $n=$ اندازه جامعه آماری $N=$ ، $z=1/96$ مقدار متغیر نرمال واحد استاندارد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد و $p=0/5$ مقدار نسبت صفت موجود در جامعه است اگر در اختیار نباشد می‌توان آن را $0/5$ در نظر گرفت و $q=0/5$ درصد افرادی که فاقد آن صفت در جامعه هستند و $d=0/05$ مقدار اشتباه مجاز است.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]} = \frac{\frac{(1/96)^2 0/5 \times 0/5}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{351} \left[\frac{(1/96)^2 \times 0/5 \times 0/5}{(0/05)^2} - 1 \right]} = 183/66$$

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. روش تحقیق از نوع همبستگی است و از نظر هدف، یک بررسی کاربردی است. و از نظر وسعت، یک تحقیق پهنانگر است. و از نظر دامنه، یک مطالعه خرد است. از لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، از نوع تحقیقات اسنادی و پیمایشی است. برای اندازه‌گیری متغیرهای این پژوهش از پرسشنامه کتبی با استفاده از طیف پنج درجه‌ای لیکرت اقدام شده است. و سؤالات بر اساس اهداف آن‌ها به صورت پرسش مستقیم، دو گزینه‌ای و پنج گزینه‌ای (طیف لیکرت) و در سطح اندازه‌گیری اسمی و رتبه‌ای و فاصله‌ای طراحی شده است. و نمره طیف از خیلی زیاد (نمره ۵) تا خیلی کم (نمره ۱) در نظر گرفته شده است و نمرات این شاخص‌ها از طریق نمره درصدی بین صفر تا صد تعیین گردیده است. در این پژوهش، برای سنجش اعتبار سازه‌ها از اعتبار صوری استفاده شده است. برای بررسی قابلیت پایایی سؤال‌های پرسشنامه مربوط به هر یک از متغیرها و سازه‌ها از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. آزمون تحلیل انجام گرفته برای گویه‌های مدیریت بدن (۰/۷۸) و گویه‌های سبک زندگی (۰/۷۴) است و این ضریب برای همه آیتم‌ها (۰/۸۲۵) است که نشان دهنده قابلیت اطمینان (پایایی) بالای پرسشنامه است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار Spss نسخه ۱۷ انجام گرفته است و در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی است.

نتایج حاصل از فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین ابعاد سبک زندگی با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان تفاوت وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یک طرفه بهره گرفته شد.

جدول شماره (۱): نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه آزمودنی‌ها در سبک‌های زندگی

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری	مجذورات انا
۵۰۶/۰۷	۳	۱۶۸۹/۰۲	۱۱/۲۴	۰/۰۰۱	۰/۱۵۶
۲۷۳۴۳/۱۵	۱۸۲	۱۵۰/۲۳			
۳۲۴۱۰/۲۳	۱۸۵				

نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین گروه‌های تحقیق از نظر سبک مدیریت بدن وجود دارد و فرض صفر ما مبنی بر عدم تفاوت گروه‌ها رد می‌شود. در جدول شماره (۲) نتایج LSD نشان می‌دهد سبک‌های زندگی مصرف فرهنگی نسبت به فعالیت فراغتی و هنجارهای مصرفی از لحاظ مدیریت بدن نمره پایین‌تری کسب کرده‌اند و نسبت به سبک اعتقاد دینی نمره بالاتری کسب کرده‌اند. همچنین سبک زندگی فعالیت فراغتی نسبت به هنجارهای مصرفی و اعتقادات دینی نمره بالاتری در مدیریت بدن کسب کرده‌اند. از نتایج دیگر جدول این که سبک زندگی هنجار مصرفی نمره بالاتری در مدیریت بدن نسبت به سبک زندگی در بعد اعتقادات دینی کسب کرده‌اند.

جدول شماره (۲): مقایسه چندگانه تفاوت میانگین‌های مدیریت بدن در سبک‌های زندگی

شاخص‌ها	خوشه‌ها	تفاوت میانگین	معنی‌داری
مصرف فرهنگی	فعالیت فراغتی	-۸/۳۲	۰/۰۰۸
	هنجار مصرفی	-۴/۴۰	۰/۰۶۹
	اعتقادات دینی	۶/۴۸	۰/۰۰۶
فعالیت فراغتی	هنجار مصرفی	۳/۹۱	۰/۲۰۹
	اعتقادات دینی	۱۴/۸۰	۰/۰۰۱
هنجار مصرفی	اعتقادات دینی	۱۰/۸۸	۰/۰۰۱

فرضیه دوم: بین میزان فعالیت‌های فراغتی بامیزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد بوکان رابطه وجود دارد. نتایج جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی به دست آمده برابر ۰/۴۷ می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار است و این دو متغیر دارای همبستگی مستقیم و مثبت می‌باشند و شدت رابطه همبستگی متوسط است.

جدول شماره (۳): خلاصه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای فعالیت‌های فراغت و مدیریت بدن

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فعالیت‌های فراغتی	مدیریت بدن	۰/۴۶۷	۰/۰۰۰	معنی‌دار

فرضیه سوم: بین میزان مصرف فرهنگی با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد بوکان رابطه وجود دارد. نتایج جدول شماره (۴) نشان می‌دهد ضریب همبستگی $0/23$ با سطح معنی‌داری $0/002$ بیانگر این است که این دو متغیر دارای همبستگی مستقیم و مثبت می‌باشند و شدت رابطه همبستگی بین این دو متغیر، ضعیف می‌باشد.

جدول شماره (۴): خلاصه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مصرف فرهنگی و مدیریت بدن

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
مصرف فرهنگی	مدیریت بدن	$0/228$	$0/002$	معنی‌دار

فرضیه چهارم: بین میزان هنجارهای مصرف با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد بوکان رابطه وجود دارد. سطح معنی‌داری $Sig=0/00$ است و ضریب همبستگی پیرسون ($0/44$) بیانگر این است که این دو متغیر دارای همبستگی مستقیم و مثبت می‌باشند و شدت رابطه همبستگی بین این دو متغیر، متوسط می‌باشد.

جدول شماره (۵): خلاصه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای هنجارهای مصرفی و مدیریت بدن

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
هنجارهای مصرفی	مدیریت بدن	$0/429$	$0/000$	معنی‌دار

فرضیه پنجم: بین میزان اعتقادات دینی با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد بوکان رابطه وجود دارد. نتایج جدول شماره (۶) نشان می‌دهد با توجه به سطح معنی‌داری $Sig=0/004$ است که این مقدار از $0/05$ کمتر است از نظر آماری رابطه بین این دو متغیر معنی‌دار است و مقدار و علامت ضریب همبستگی پیرسون ($-0/21$) بیانگر این است که این دو متغیر دارای همبستگی معکوس و منفی می‌باشند و شدت رابطه همبستگی بین این دو متغیر ضعیف می‌باشد.

جدول شماره (۶): خلاصه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اعتقادات دینی و مدیریت بدن

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
اعتقادات دینی	مدیریت بدن	$-0/210$	$0/004$	معنی‌دار

فرضیه ششم: بین سن با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد رابطه وجود دارد. بر اساس اطلاعات جدول شماره (۷) با توجه به این که سطح معنی‌داری $0/43$ است از نظر آماری رابطه بین این دو متغیر معنی‌دار نیست و مقدار و علامت ضریب همبستگی پیرسون ($-0/057$) بیانگر این است که

این دو متغیر با هم همبستگی ضعیفی دارند. احتمال دارد نزدیکی سنین که تقریباً تمام دانشجویان در فاصله سنی نزدیک به هم هستند سبب شده اختلاف سن نتواند تأثیر خود را نشان دهد.

جدول شماره (۷): خلاصه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای سن و مدیریت بدن

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
سن	مدیریت بدن	-۰/۰۵۷	۰/۴۲۶	معنی‌دار نمی‌باشد.

فرضیه هفتم: بین وضعیت اشتغال با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر دانشگاه آزاد تفاوت وجود دارد. این متغیر در مقیاس اسمی و به عنوان دو گروه شاغل و غیرشاغل در نظر گرفته شده است و با آزمون تی دو گروه مستقل مورد ارزیابی قرار گرفت. اطلاعات جدول شماره (۸) نشان می‌دهد با توجه به حد پایین (-۰/۴۱) و حد بالا (۰/۰۵) و بزرگتر بودن سطح معنی‌داری (۰/۴۰) از (۰/۰۵) تفاوت میزان مدیریت بدن بر حسب وضعیت اشتغال معنی‌دار نیست و فرضیه پژوهش ثابت نشد.

جدول شماره (۸): آزمون تی بین دو متغیر وضعیت اشتغال و مدیریت بدن

وضعیت اشتغال	تعداد	میانگین	انحراف	میانگین خطای استاندارد	تی	درجه معنی‌داری	حد پایین	حد بالا
مدیریت شاغل	۱۳	۲/۸۱۴۹	۰/۳۳۳۲۸	۰/۰۹۲۴۴	-۱/۵۷۷	۱۸۴	۰/۴۰۸	-۰/۴۱۴
مدیریت بدن غیرشاغل	۱۷۳	۲/۹۹۵۸	۰/۴۱۷۰۹	۰/۰۳۱۷۱				۰/۰۵۲

فرضیه هشتم: بین وضعیت تأهل با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر تفاوت وجود دارد. این متغیر در مقیاس اسمی و به عنوان دو گروه مجرد و متأهل در نظر گرفته شده است و با آزمون آماری تی دو گروه مستقل مورد ارزیابی قرار گرفته است. اطلاعات جدول شماره (۹) نشان می‌دهد با توجه به حد پایین (-۰/۲۸۷) و حد بالا (۰/۰۹۹) و بزرگتر بودن سطح معنی‌داری (۰/۷۶) از (۰/۰۵) تفاوت میزان مدیریت بدن بر حسب وضعیت تأهل معنی‌دار نیست و فرضیه پژوهش ثابت نشد.

جدول شماره (۹): آزمون تی بین دو متغیر وضعیت تأهل و مدیریت بدن

وضعیت تأهل	تعداد	میانگین	انحراف	میانگین خطای استاندارد	تی	درجه معنی‌داری	حد پایین	حد بالا
مدیریت مجرد	۱۶۶	۲/۹۷۳۱	۰/۴۱۸۳۶	۰/۰۳۳۴۷	-۰/۹۶۱	۱۸۴	۰/۷۶۹	-۰/۲۸۷
مدیریت بدن متأهل	۲۰	۳/۰۶۷۲	۰/۳۷۰۹۰	۰/۰۸۲۹۴				۰/۰۹۹

فرضیه نهم: بین میزان درآمد با میزان مدیریت بدن دانشجویان دختر تفاوت وجود دارد. متغیر درآمد در مقیاس ترتیبی در نظر گرفته شده است. بر اساس اطلاعات جدول شماره (۱۰) ملاحظه می‌شود که طبق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه مقدار $F=2/97$ با سطح معنی‌داری $sig=0/02$ محاسبه شده است که نشانگر این است که تفاوت میزان مدیریت بدن برحسب میزان درآمد معنی‌دار است. برای تعیین معنی‌دار بودن تفاوت میانگین‌ها از روش LSD استفاده شده است. که بیشترین تفاوت میانگین را دانشجویانی که خود یا خانواده ایشان دارای درآمدی بین ۷۵۰۰۰۰ تا ۱۲۴۹۰۰۰ تومان نسبت به سایر گروه‌های دیگر دارند. و کمترین تفاوت میانگین نیز به دانشجویانی تعلق دارد که دارای درآمدی بین ۱۲۵۰۰۰۰ تا ۱۷۴۹۰۰۰ تومان هستند.

جدول شماره (۱۰): خلاصه آزمون آنالیز واریانس یک طرفه بین دو متغیر درآمد و مدیریت بدن

مدیریت بدن	مجموع نمرات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F آزمون	معنی‌داری
درون گروه	۱/۹۵۵	۴	۰/۴۸۹	۲/۹۷۸	۰/۰۲۱
بین گروه	۲۹/۶۹۶	۱۸۱	۰/۱۶۴		
مجموع	۳۱/۶۵۱	۱۵۸			

مدل رگرسیونی مدیریت بدن

در این مدل متغیرهای مستقل پژوهش اعم از مصرف فرهنگی، فعالیت‌های فراغتی، هنجارهای مصرفی، اعتقادات دینی، درآمد، سن، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال به شیوه مرحله به مرحله وارد معادله شده‌اند.

جدول شماره (۱۱): متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس مدیریت بدن دانشجویان دختر

متغیر	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	مقدار F	Sig (F)	Beta	T	Sig (T)
مصرف فرهنگی	۰/۲۳	۰/۰۵	۱۰/۰۷۴	۰/۰۰۲	۰/۲۲۸	۳/۱۷۴	۰/۰۰۲
فعالیت‌های فراغتی	۰/۴۶۷	۰/۲۱۸	۵۱/۳۵۳	۰/۰۰۰	۰/۴۶۷	۷/۱۶۶	۰/۰۰۰
هنجارهای مصرفی	۰/۴۴	۰/۱۹۳	۴۳/۹۶۷	۰/۰۰۰	۰/۴۳۹	۶/۶۳۱	۰/۰۰۰
اعتقادات دینی	۰/۲۱۰	۰/۰۴۴	۸/۴۸۶	۰/۰۰۴	-۰/۲۱۰	-۲/۹۱۳	۰/۰۰۴
درآمد	۰/۲۱۴	۰/۰۶۴	۸/۸۱۵	۰/۰۰۳	۰/۲۱۴	۲/۹۶۹	۰/۰۰۳

با توجه به این که آزمون معنی‌داری متغیرهای مصرف فرهنگی و فعالیت‌های فراغتی و هنجارهای مصرفی و اعتقادات دینی و میزان درآمد کمتر از ۰/۰۵ بوده ($Sig < 0/05$) می‌توان نتیجه گرفت که فرضیات مربوط به آن‌ها تأیید شده و بین این متغیرها با مدیریت بدن ارتباط معنی‌داری وجود دارد. نتایج جدول بالا نشان می‌دهد متغیر فعالیت‌های فراغتی نقش بسیار عمده‌ای در تعیین میزان اهمیت به مدیریت

بدن افراد دارا بوده است. این متغیر با قدرت تبیین و تأثیر ۴۷ درصدی و قابلیت پیش‌بینی ۲۲ درصدی و هنجارهای مصرفی با قدرت تبیین ۴۴ درصدی و قابلیت پیش‌بینی ۱۹ درصدی و متغیر مصرف فرهنگی با قدرت تبیین ۲۳ درصدی و قابلیت پیش‌بینی ۵ درصدی از واریانس مدیریت بدن رتبه‌های اول و دوم و سوم تأثیرگذاری را دارا هستند. و ضریب بتای منفی متغیر اعتقادات دینی ۰/۲۱- درصد بیانگر این است که به ازای یک واحد افزایش در مقیاس سنجش اعتقادات دینی فرد مقدار ۰/۲۱ درصد از مدیریت بدن وی کاسته می‌شود. و متغیر میزان درآمد با قدرت تأثیر و تبیین ۲۱ درصدی و قابلیت پیش‌بینی ۶ درصدی واریانس مدیریت بدن را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که آزمون معنی‌داری متغیرهای فعالیت‌های فراغتی و هنجارهای مصرفی و اعتقادات دینی و میزان درآمد کمتر از ۰/۰۵ بوده ($Sig < 0/05$) می‌توان نتیجه گرفت که فرضیات مربوط به آن‌ها تأیید شده و بین این متغیرها با مدیریت بدن ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

چنانچه مشاهده می‌شود فعالیت‌های فراغتی نقش بسیار عمده‌ای در تعیین میزان اهمیت به مدیریت بدن افراد دارا بوده است. این متغیر با قدرت تبیین و تأثیر ۴۷ درصدی و قابلیت پیش‌بینی ۲۲ درصدی و هنجارهای مصرفی با قدرت تبیین ۴۴ درصدی و قابلیت پیش‌بینی ۱۹ درصدی از تغییرهای مدیریت بدن رتبه اول و دوم تأثیرگذاری را دارا هستند. سومین متغیری که در معادله رگرسیون تأثیر عمده‌ای بر نحوه مدیریت بدن افراد نشان داده است، متغیر مصرف فرهنگی بوده است که قادر به تبیین و تأثیر ۲۳ درصدی و قابلیت پیش‌بینی ۵ درصدی از تغییرهای متغیر ملاک بوده است. با توجه به این نتایج می‌توان نتیجه گرفت که اکثر دانشجویان بیکار و مجرد هستند و در سنین جوانی قرار دارند و طیف نوجوانی و جوانی مُدگرا بوده و به وضع خود توجه بیشتری نموده و کتاب‌ها و مجلات مختلف، عکس‌ها و پوسترهای ورزشکاران و هنرپیشه‌های سینما و تلویزیون، فیلم‌ها و کلیپ‌های صوتی و تصویری و شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت در بسیاری از موارد به آسانی در دسترس قرار دارند و اخلاق و فرهنگ آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و جوانان به راحتی مُد روز را اخذ نموده و خود را با توجه به هنرپیشه یا خواننده یا ورزشکار و یا شخصیت مورد قبول جامعه درست می‌کنند و از شیوه زندگی آن‌ها الگو برداری می‌کنند. به تعبیر گافمن افراد در هنگام کنش متقابل می‌کوشند جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که مورد پذیرش دیگران باشد. و در تحقیق حاضر بین سبک زندگی اعتقادی دینی با مدیریت بدن رابطه و همبستگی منفی دیده شد. ضریب بتای منفی متغیر اعتقادات دینی (۰/۲۱-) بیانگر این است که به ازای یک واحد افزایش در مقیاس سنجش اعتقادات دینی فرد مقدار ۰/۲۱ درصد از مدیریت بدن وی کاسته می‌شود. با توجه به این که رسانه‌های جمعی به ویژه ماهواره و اینترنت رواج بی‌بند وباری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی جامعه سنتی، عدم پای‌بندی مذهبی و نبودن حریم در روابط بین دختر و پسر را

ترویج می‌کنند ولی این دانشجویان هنوز به ارزش‌های خانوادگی و فرهنگ سنتی و باورهای اخلاقی و دینی خود پای‌بند هستند و احتمال دارد این به خاطر اعتقاد دینی سنتی رضایت و قناعت به خواست و اراده خداوند در خلق و آفرینش و ترکیب اعضاء و غیره باشد که کمتر به دست در کار خدا بردن موافقت نشان می‌دهند. و رعایت اعتدال یعنی قدر کفاف آن اندازه از امکانات زندگی که انسان را از دیگران و درخواست از آن‌ها بی‌نیاز کند را در پیش بگیرند و از دستکاری صورت و اندام و مصرف بی‌رویه و استفاده نابجا و نامناسب از امکانات زندگی خودداری می‌کنند. پنجمین متغیر میزان درآمد با قدرت تأثیر و تبیین ۲۱ درصدی و قابلیت پیش‌بینی ۵ درصدی از تغییرهای مدیریت بدن را نشان می‌دهد. و با توجه به این که سطح میزان درآمد خود یا خانواده دانشجویان دختر در سطح متوسط و متمایل به بالا بود می‌توان نتیجه گرفت که هر چه میزان درآمد بالا تر باشد دانشجویان بیشتر به رسیدگی از بدن خود می‌پردازند.

منابع

- آزاد ارمکی، ت، و دیگری. (۱۳۸۱). بدن به مثابه رسانه هویت. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۴، شماره ۶.
- ابراهیمی، ق، و دیگری. (۱۳۸۹). سرمایه فرهنگی و مدیریت ظاهر و جوانان (مطالعه‌ی دختران و پسران شهر بابلسر). *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*. دوره ۸، شماره ۳، پاییز.
- احمدی، ط. (۱۳۸۶). *مدیریت بدن و هویت اجتماعی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رشت.
- ایراندوست، ف. (۱۳۹۰). *سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی (مطالعه‌ی موردی جوانان شهر مهاباد)*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان.
- تنهایی، ح، و دیگری. (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی جامعه‌شناختی باورهای دینی و سبک زندگی بر اساس نظریه و روش گافمن. مطالعه‌ی موردی کرمانشاه. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*. سال سوم، شماره ۶، بهار ۸۹.
- چاوشیان، ح. (۱۳۸۱). *سبک زندگی و هویت اجتماعی، مصرف و انتخاب‌های ذوقی به عنوان تمایز و تشابه اجتماعی در دوره‌ی مدرنیته‌ی اخیر*. پایان‌نامه‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- حاجیانی، ا. (۱۳۸۶). *سبک زندگی و مطالعات راهبردی، کتاب و الگوهای سبک زندگی ایرانیان*. تهران: پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
- ذکایی، م، س. (۱۳۸۶). *فرهنگ مطالعات جوانان*. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- رحمت‌آبادی، ا، و دیگری. (۱۳۸۴). *سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. سال پنجم، شماره ۲۰.
- رضایی، ا، و دیگران. (۱۳۸۹). *مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران*. شماره ۴۷، بهار.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- شویده، ک، و دیگری. (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو*. ترجمه: مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.
- علوی‌زاده، ا. (۱۳۸۷). بررسی چگونگی و نحوه گذران اوقات فراغت بانوان شهر کاشمر. تهران: *فصلنامه جمعیت*. شماره ۶۴-۶۳، بهار و تابستان.
- فاتحی، ا، و دیگری. (۱۳۸۷). *مدیریت بدن و رابطه‌ی آن با پذیرش اجتماعی بدن*. *مجله پژوهش علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. سال یازدهم، شماره ۴۱.

- فاضلی، م. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. تهران: نشر صبح صادق، چاپ اول.
- فوکو، م. (۱۳۷۸). *مراقبت و تنبیه تولد زندان*. ترجمه: نیکو سرخوش و دیگری. تهران: نی.
- کاظمی، ع. (۱۳۸۷). *مقاله‌ی سه پارادایم در مطالعه‌ی مصرف فرهنگی*. از کتاب *مطالعات فرهنگی*، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کرایب، ی. (۱۳۸۴). *فلسفه علوم اجتماعی، بنیان‌های فلسفی تفکر اجتماعی*. ترجمه: شهناز مسمی‌پرست و دیگران. تهران: آگاه.
- کوزر، ل. (۱۳۸۶). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- گیبینز، ج. و دیگری. (۱۳۸۴). *سیاست پست مدرنیته*. ترجمه: منصور انصاری. تهران: گام نو.
- گیدنز، آن. (۱۳۸۰). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز. چاپ دوم.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*. ترجمه: فیروزمنده، ل. تهران: انتشارات فردوس.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نی. چاپ بیست و دوم.
- لوپز، خ. و دیگری. (۱۳۸۵). *ساخت نظریه اجتماعی*. ترجمه: حسن قاضیان. تهران: نشر نی.
- ولن، ت. (۱۳۸۶). *نظریه طبقه مرفه*. فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

Archive of SID